

تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۳/۲۵

بررسی مقاله: ۸۱/۱۱/۵

پذیرش مقاله: ۸۱/۱۰/۱۸

مجله علوم تربیتی و روانشناسی

دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۱

دوره سوم، سال نهم، شماره‌های ۱ و ۲

صص: ۱۴۸-۱۳۱

بررسی رابطه نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری و مکان کنترل با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی

حجت‌اله مهرافروز*

دکتر مهرناز شهرآرای**

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر (اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) و مکان کنترل با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی می‌پردازد. بدین منظور ۳۹۸ نفر از دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی و مادران با سواد آنها در منطقه ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷ به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیری (گام به گام) نمایان ساخت که بین نگرش شیوه‌های فرزندپروری مادر (اقتدار منطقی) و پیشرفت تحصیلی (معدل کل و نمره علوم) رابطه‌ای مثبت وجود دارد و بین نگرش نسبت به شیوه فرزندپروری مادر (استبدادی) و پیشرفت تحصیلی (معدل کل و نمره علوم، نمره ریاضی) رابطه منفی معنی‌داری مشاهده نشد. بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر (اقتدار منطقی، آزادگذاری، استبدادی) و مکان کنترل دانش‌آموز رابطه‌ای معنی‌دار مشاهده نشد. در نهایت بین مکان کنترل دانش‌آموز با نمره علوم و معدل کلی رابطه‌ای منفی و معنی‌دار مشاهده شد و بین مکان کنترل دانش‌آموز و نمره ریاضی او رابطه‌ای مشاهده نشد. نتایج به دست آمده در چارچوب‌های نظری مورد بحث قرار گرفته است.

کلید واژگان: شیوه‌های فرزندپروری، مکان کنترل، پیشرفت تحصیلی

* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران

** عضو هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران

مقدمه

پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از نقطه نظر علمی و کاربردی دارای اهمیت است. پیشرفت تحصیلی یکی از عوامل منبولیت در کلاس درس است. همچنین برای به دست آوردن یک شغل و درجات مختلف آن دارای اهمیت است. اهمیت پیشرفت تحصیلی از بعد دیگری نیز قابل تأمل است. از آنجا که هر نظام تربیتی به جهت حصول بهترین شرایط و نتایج و رفع کمبودها و موانع در سراسر فرآیندهای آموزشی و پرورشی و استفاده بهینه از درونداها، دهمواره مورد ارزیابی متخصصان قرار می‌گیرد، و در نهایت محصول نظامهای آموزشی و پرورشی نیز دانش آموختگانی هستند که واجد برخی از ویژگیها شده‌اند، پیشرفت تحصیلی می‌تواند یکی از مهمترین و عینی‌ترین معیارها برای بررسی و ارزیابی کارایی نظامهای تربیتی باشد.

با توجه به موارد فوق، محققان در حیطه‌های مختلف روان‌شناسی تربیتی، از دیرباز سعی در فهم مجموعه عوامل تعیین کننده و مؤثر در پیشرفت تحصیلی داشته‌اند. کتل^۱ (۱۹۸۳)، به نقل از فراهانی، (۱۹۹۴) ابراز می‌دارد متغیرهای «شخصیت شناختی» از قبیل بهره هوشی، سبکهای شناختی، گرایشها، انگیزه‌ها و... علت هفتاد درصد واریانس

(پراکندگی) نمره‌های مربوط به پیشرفت

تحصیلی می‌باشند و سی درصد باقی مانده مربوط به تأثیرات «محیطی، اجتماعی و موقعیتی» از قبیل موضوع مورد مطالعه، روش تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و... می‌باشد. لذا با توجه به موارد فوق، در این پژوهش به هر دو دسته عوامل شخصی و محیطی تأثیرگذار در پیشرفت تحصیلی توجه شده است. از عوامل محیطی، نگرش «شیوه‌های فرزند پروری^۲» دانش‌آموز مدنظر قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

شیوه‌های فرزندپروری و پیشرفت

تحصیلی

تحقیقات زیادی در خصوص شیوه‌های فرزندپروری و مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. تحقیقی در زمینه الگوی کفایت و سازگاری در بین نوجوانان خانواده‌های استبدادی، اقتدار منطقی، مسامحه کار و افراطی در بین ۴۱۰۰ نفر از نوجوانان ۱۸-۱۴ ساله در ارتباط با چهار مجموعه از پیامدهای رفتاری شامل رشد روان شناختی، پیشرفت تحصیلی، اضطراب درونی

1- Cattell

2- Parental Stles

می‌دهد که اعتقاد به کنترل درونی اساساً در خانواده‌هایی آموخته می‌شود که در آن والدین گرم و حمایت‌کننده هستند، فرزندانشان را به خاطر پیشرفت در کارها تشویق می‌کنند و سعی نمی‌کنند بر آنها کنترل مستبدانه‌ای داشته باشند. علاوه بر این، والدین در شیوه‌های تربیتی فرزندانشان دارای ثبات رفتاری هستند و سعی نمی‌کنند پیوسته قوانین را در خانه تغییر دهند و از تنبیه بیش از حد استفاده کنند. تحت چنین شرایط گرم و پذیرنده و حمایت‌کننده‌ای، کودکان می‌آموزند که به خاطر شکستهای خود، شرمندگی را پذیرا باشند، همان‌گونه که در هنگام موفقیت احساس خوشبختی می‌کنند.

گانتز (۱۹۸۹) در تحقیقی رشد جهت‌گیری کنترل را در ۲۷ نوجوان ۱۳-۱۱ ساله مورد بررسی قرار داد و رابطه بین مکان کنترل و شیوه‌های فرزندپروری مادر را بررسی نمود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد جهت‌گیری مکان کنترل درونی در ابتدای نوجوانی افزایش می‌یابد و جهت‌گیری شانس کاهش می‌یابد. در

و مشکلات رفتاری، توسط لمبورن، مونتنس، استینبرگ و دورنباخ^۱ (۱۹۹۱) صورت پذیرفت. نتایج این تحقیق نشان داد نوجوانانی که از خانواده‌های اقتدار منطقی هستند شایستگی‌های تحصیلی بالا و معنی‌داری دارند. نوجوانانی که والدین خود را به عنوان استبدادی یا افراطی توصیف کرده بودند، در تمام مقیاسها نمره‌هایشان گرایش به حد متوسط بین نمره‌های گروه‌های اقتدار منطقی و مسامحه‌کار داشت. به طور کلی بیشترین اندازه تفاوت بین خانواده‌های اقتدار منطقی و مسامحه‌کار از نظر پیشرفت تحصیلی و سایر موارد به دست آمد. نتایج تحقیقات گلاسکو^۲، دورنباخ، تراپر^۳، استینبرگ و ریتز^۴ (۱۹۹۷) در زمینه بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری، اسناد و پیامدهای تحصیلی در نوجوانان نمایان ساخت نوجوانانی که از خانواده‌های غیراقتدار منطقی بودند، کمترین سطوح درگیر شدن در فعالیتهای کلاس درس و تکالیف منزل را داشتند و شیوه استبدادی و مسامحه‌کار والدین با انجام تکالیف و پیشرفت تحصیلی ارتباطی منفی داشت.

شیوه‌های فرزندپروری و مکان کنترل

تحقیقات انجام گرفته توسط کراندل (۱۹۷۳)، به نقل از فراهانی، (۱۳۷۷ ب) نشان

- 1- Lamborn, Mounts, Steinberg,
Dornbuch
- 2- Glasgow
- 3- Troyer
- 4- Ritter

حالی که جهت‌گیری کنترل افراد قدرتمند رابطه‌ای با تغییرات سن نداشت و تأیید و توجه به رفتارهای مثبت و مطلوب کودکان جهت‌گیری مکان کنترل درونی را پیش بینی می‌کرد. همچنین نوجوانانی که جهت‌گیری کنترل درونی داشتند در مقایسه با نوجوانانی که جهت‌گیری کنترل بیرونی داشتند، ارتباط کلامی مثبت بیشتری را از والدین خود گزارش نمودند.

تحصیلی رابطه‌ای مثبت^۷ و معنی‌دار با هم دارند و مقدار رابطه برای حد وسط جهت‌گیری کنترل درونی - بیرونی کوچک است. آنها همچنین اظهار داشتند که این نتایج کلی می‌بایست تا حدی به واسطه ویژگیهای جمعیت نمونه و مقیاسهای مورد مطالعه تعدیل شود و ماهیت مقیاسهای پیشرفت تحصیلی و مکان کنترل می‌تواند بر آزمون این رابطه مؤثر باشد.

مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی

روشن آزمودنیها

آزمودنیهای این پژوهش عبارت بودند از

برخی مطالعات رابطه منفی بین مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی را تأیید می‌کنند. مثلاً، ماوموندا^۱ و ماوموندا^۱ (۱۹۸۶)؛ نیومن، فیندلی، ریچل^۲ (۱۹۸۸)؛ وب^۳ (۱۹۹۳) به نقل از فراهانی (۱۹۹۴) رابطه منفی و معنی داری را بین مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی یافتند. در حالی که کرامپ، هیکسون و لامان^۴ (۱۹۸۶)؛ مارتال، مکلوی و استندینگ^۵ (۱۹۸۷) به نقل از فراهانی، (۱۹۹۴) رابطه‌ای را بین مکان کنترل اندازه‌گیری شده با مقیاس درونی - بیرونی راتر و پیشرفت تحصیلی به دست نیاوردند.

فیندلی و کوپر^۶ (۱۹۸۳) در مطالعه‌ای به بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مکان کنترل و پیشرفت

1- Mwamwenda

2- Neuman, Findley, Richel

3- Webb

4- Crump, Hickson and Laman

5- Martal, Meelvy and Standing

6- Findley & Cooper

۷- در متن اصلی (فیندلی و کوپر، ۱۹۸۳) کلمه

Positively قید شده است. باید توجه نمود در

اینجا منظور این بوده است که هر چه مکان کنترل

درونی فرد بیشتر باشد (که در ابزارهای مورد

استفاده برای سنجش مکان کنترل «نمره پایین»

نشان دهنده مکان کنترل درونی برتر است).

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز بیشتر خواهد بود.

دانش‌آموزان پسر پایه چهارم مقطع ابتدایی که در سال ۷۶-۷۷ در منطقه ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران مشغول به تحصیل بودند و نیز مادران با سواد آنها. به این طریق که ابتدا از بین ۳۸ مدرسه ابتدایی پسرانه منطقه ۱۷، در مرحله اول به طور تصادفی ۱۰ مدرسه انتخاب شد. در مرحله دوم از هر مدرسه ۲ کلاس به طور تصادفی انتخاب گردید و در نهایت در مرحله سوم از هر کلاس درس ۲۳ نفر از دانش‌آموزانی که مادران آنها حداقل دارای تحصیلات پنجم ابتدایی و بالاتر بودند انتخاب شدند. در مجموع ۴۶۰ نفر از دانش‌آموزان و مادران آنها انتخاب شد که به علت عدم حضور تعدادی از مادران در مدرسه برای پاسخگویی به پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری، عملاً ۳۹۸ نفر در گروه نمونه آماری جای گرفتند.

پرسشنامه مکان کنترل نوویکی - استریکلند^۳ (۱۹۷۳)، بر مبنای تعریف راتر از کنترل درونی و بیرونی تقویت، تهیه و تدوین شده است. این پرسشنامه توسط برومند نسب، شکرکن و نجاریان به فارسی برگردانده شده است (برومندنسب، ۱۳۷۳). نتایج تحقیقات نوویکی - استریکلند (۱۹۷۳)، نان و نان (۱۹۸۶)، به نقل از مجدآبادی فراهانی، (۱۳۷۵)، موفق (۱۳۷۳)، مهرافروز (۱۳۷۸) نشان داد، مقیاس فوق پایایی و روایی لازم را برای سنجش مکان کنترل کودکان سنین ۸ تا ۱۸ سال دارد.

کارنامه تحصیلی. کارنامه تحصیلی دانش‌آموزان از مدرسه تهیه شد و شاخصهای

ابزار

پرسشنامه اقتدار والدین^۱ این پرسشنامه توسط بورای (۱۹۹۱) به منظور اندازه‌گیری دیدگاه اولیه اقتدار والدین بام ریند (۱۹۷۱) در سه سطح آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی تهیه شده است. نتایج تحقیقات (بورای، می‌سیوکانیس، لویزل و ددبلو^۲، ۱۹۸۸) به نقل از بورای (۱۹۹۱)، اسفندیاری

1- Parental Authority Questionnaire

(PAQ)

2- Buri, Misukanis, Louiselle and Mueller.

3- The Nowicki- Strickland Locus of Control Scale

پیشرفت تحصیلی از آن استخراج گردید. و سایر محاسبات لازم به کمک رایانه بر روی این اطلاعات صورت پذیرفت.

روش اجرا

مرحله اول، پس از انتخاب نمونه تحقیق، ابتدا مادر دانش‌آموزان با هماهنگی واحدهای آموزشی به مدارس دعوت شدند. پس از حضور مادران در مدرسه و ارائه راهنماییهای لازم پیرامون نحوه پاسخدهی به پرسشنامه، مادران در گروههای ۲۰ تا ۲۳ نفری در فضایی آرام و مناسب آزمون به سوالات پاسخ دادند. مرحله دوم، این مرحله به فاصله یک ساعت بعد از انجام دادن مرحله اول صورت گرفت. بدین طریق که ابتدا دانش‌آموزانی که مادران آنها برای شرکت در مرحله اول دعوت شده بودند، از کلاس درس خارج و در مکان موردنظر پس از ارائه راهنماییهای لازم و فراهم نمودن شرایط فیزیکی و روانی لازم برای اجرای آزمون، به پرسشنامه مکان کنترل پاسخ دادند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها
به منظور توصیف داده‌ها از لحاظ گرایش مرکزی و پراکنندگی (از قبیل میانگین و انحراف استاندارد) از روش آمار توصیفی استفاده شد. به جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آزمونهای پارامتریک استفاده شد که عبارتند از تحلیل رگرسیون چند متغیری (به روش گام به گام). برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها ارائه می‌گردد:

الف: یافته‌های توصیفی

این بخش شامل محاسبه میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد. این یافته‌ها در جدولهای ۱ و ۲ ارائه شده‌اند.

مرحله سوم، در مرحله سوم به منظور مشخص کردن پرسشنامه مادران و فرزندان آنها هر دو پرسشنامه مذکور با توجه به مشخصات قید شده در پرسشنامه، با یک عدد واحد شماره‌گذاری شد.

مرحله چهارم، در این مرحله اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها دقیقاً وارد رایانه شد

میزان تحصیلات مادر از پنجم ابتدایی تا لیسانس متغیر است. برای کدگذاری میزان تحصیلات مادر به ترتیب اعداد ۵ به تحصیلات پنجم ابتدایی، ۶ به تحصیلات اول

جدول ۱. شاخصهای آماری مربوط به میزان تحصیلات مادر

میزان تحصیلات مادر	فراوانی مطلق	فراوانی تراکمی	فراوانی درصدی	فراوانی تراکمی درصد
۵	۱۰۵	۳۹۸	۲۶/۴	۱۰۰
۶	۵۶	۲۹۳	۱۴/۱	۷۳/۶
۷	۴۶	۲۳۷	۱۱/۵	۵۹/۵
۸	۸۷	۱۹۱	۲۱/۸	۴۸
۹	۱۱	۱۰۴	۲/۸	۲۶/۲
۱۰	۱۳	۹۳	۳/۳	۲۳/۴
۱۱	۹	۸۰	۲/۳	۲۰/۱
۱۲	۶۷	۷۱	۱۶/۸	۱۷/۸
۱۳	۲	۴	۰/۵	۱
۱۴	۲	۲	۰/۵	۰/۵

$n=398$ و $\bar{X}=7.7$ و $S=2.5$

راهنمایی، ۷ به تحصیلات دوم راهنمایی، ۸ به ۱۲ به دیپلم، ۱۳ به فوق دیپلم و ۱۴ به تحصیلات سوم راهنمایی، ۹ به اول دبیرستان، تحصیلات لیسانس مربوط است. همان گونه ۱۰ به دوم دبیرستان، ۱۱ به سوم دبیرستان، که از جدول ۱ مشخص است، متوسط

جدول ۲. شاخصهای آماری مربوط به متغیرهای پیشرفت تحصیلی، مکان کنترل،

شیوه‌های فرزندپروری و سن آزمودنیها

تعداد (n)	انحراف معیار	میانگین	شاخصهای آماری
۳۹۸	۲/۰۲	۱۷/۱۹	متغیرها معدل کل
۳۹۸	۲/۶۳	۱۵/۵۹	ریاضی
۳۹۸	۲/۹۰	۱۶/۱	علوم
۳۹۸	۳/۶۱	۱۳/۳۰	علوم کنترل دانش آموز
۳۹۸	۴/۵۲	۳۳/۳۷	اقتدار منطقی
۳۹۸	۶/۱۱	۱۸/۶۳	استبدادی
۳۹۸	۴/۷۷	۱۶/۱۰	آزادگذاری
۳۹۸	۰/۵۵	۱۰/۵	سن دانش آموزان

تحصیلات مادران ۷/۷ سال، یعنی نزدیک به سوم راهنمایی است.

همان گونه که در جدول ۲ ملاحظه می شود میانگین (و انحراف معیار) در

متغیرهای معدل کل، ریاضی و علوم به ترتیب ۱۷/۱۹ (۲/۰۲)، ۱۵/۵۹ (۲/۶۳) و ۱۶/۱ (۲/۹۰) می باشد.

میانگین و (انحراف معیار) در متغیر مکان کنترل دانش آموز ۱۳/۳۰ (۳/۶۱) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

و میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

در متغیر سن دانش آموزان ۱۰/۵ (۰/۵۵) و میانگین (و انحراف معیار) در متغیر سن دانش آموزان ۱۰/۵ (۰/۵۵) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

میانگین (و انحراف معیار) در متغیرهای اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری به ترتیب ۳۳/۳۷ (۴/۵۲)، ۱۸/۶۳ (۶/۱۱) و ۱۶/۱۰ (۴/۷۷) می باشد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	معدل کل	نمره علوم	نمره ریاضی	مکان کنترل
نگرش شیوه اقتدار منطقی	۰/۱۱*	۰/۱۳**	۰/۰۴	۰/۰۱۵ P=۰/۷۷۹
نگرش شیوه استبدادی	-۰/۱۴*	-۰/۱۷*	۰/۰۱	۰/۰۸۴ P=۰/۰۹۶
نگرش شیوه آزادگذاری	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۸ P=۰/۸۸۰
معدل کل				-۰/۲۹۵* P=۰/۰۰۰
نمره علوم				-۰/۲۳ P=۰/۰۰۰
نمره ریاضی				۰/۰۴۳ P=۰/۳۹۵

جدول ۴. تحلیل واریانس برای رگرسیون «پیشرفت تحصیلی» (معدل کل) روی متغیر

«مکان کنترل» دانش‌آموز ($n=398$)

منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۴۰/۵۴	۱	۱۴۰/۵۴	۳۷/۶۷	۰/۰۰۰
پسماند	۱۴۷۷/۳۳	۳۹۶	۳/۷۳		

رابطه منفی و معنی داری مشاهده شد، به عبارت دیگر هر چه مکان کنترل دانش‌آموز درونی‌تر باشد، پیشرفت تحصیلی (معدل کل) وی نیز بیشتر خواهد بود.

به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرها پیش بینی (نگرشهای شیوه اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری مادر و مکان کنترل دانش‌آموز) در تبیین متغیر ملاک (معدل کل)، اولین متغیری که وارد معامله رگرسیون می‌شود، مکان کنترل دانش‌آموز و سپس در گام دوم، متغیر شیوه استبدادی مادر وارد معامله می‌شود.

با توجه به جدول شماره ۴، نسبت F مشاهده شده برای تحلیل رگرسیون چندمتغیری در گام اول معنی دار است. $(F=37/67)$. معادله رگرسیون «پیشرفت تحصیلی» (معدل کل) از روی «مکان کنترل» دانش‌آموز بدین قرار است:

$$X_1 = 19/38 - ضریب A \text{ عدد ثابت در معادله و}$$

$$X_2 = -0/16 \text{ ضریب B (شیب خط رگرسیون) برای}$$

مکان کنترل دانش‌آموز.

* $Y = 19/38 - 0/16 X_1$ معادله رگرسیون پیشرفت تحصیلی (معدل کل) بر حسب مکان کنترل دانش‌آموز.

مکان کنترل دانش‌آموز X_1

با توجه به جدول شماره ۵، نسبت F مشاهده شده در گام دوم معنی دار است. معادله رگرسیون پیشرفت تحصیلی بر حسب مکان کنترل دانش‌آموز و شیوه استبدادی مادر به شرح ذیل است:

$$B_1 \text{ ضریب } = -0/16 \text{ برای مکان کنترل دانش‌آموز (شیب خط رگرسیون)}$$

$$B_2 \text{ ضریب } = -0/04 \text{ برای نگرش شیوه استبدادی مادر (شیب خط رگرسیون)}$$

$$A \text{ ضریب } = 20/04 \text{ عدد ثابت}$$

* $Y = 20/04 - 0/16 X_1 - 0/04 X_2$ معادله رگرسیون پیشرفت تحصیلی بر حسب مکان کنترل و شیوه استبدادی مادر.

مکان کنترل دانش‌آموز X_1

نگرش شیوه استبدادی مادر X_2

جدول ۵. تحلیل واریانس پیشرفت تحصیلی (معدل کل) روی متغیر نگرش شیوه استبدادی مادر ($n=398$)

منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۶۳/۴۹	۲	۸۱/۷۴	۲۲/۲۰	۰/۰۰۰
پسماند	۱۴۵۴/۳۸	۳۹۵	۳/۶۸		

دانش آموز و نمره ریاضی رابطه معنی داری مشاهده نشد.

به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای پیش بینی (نگرشهای شیوه های اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری مادر و مکان کنترل دانش آموز) در تبیین متغیر ملاک (نمره علوم) اولین متغیری که وارد معادله رگرسیون می شود، مکان کنترل دانش آموز می باشد. در گام دوم، متغیر نگرش شیوه استبدادی مادر و در گام سوم، متغیر نگرش شیوه اقتدار منطقی مادر وارد معامله می شود:

همان گونه که در جدول شماره ۳ مشهود است، بین نگرش شیوه اقتدار منطقی مادر و نمره علوم رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد و بین نگرش شیوه استبدادی مادر و نمره علوم رابطه منفی و معنی دار مشاهده می شود. بین نگرش شیوه آزادگذاری مادر و نمره علوم رابطه معنی داری مشاهده نشد. همچنین رابطه ای معنی دار بین نگرشهای شیوه های فرزندپروری و نمره ریاضی مشاهده نشد. بین مکان کنترل دانش آموز و نمره علوم او رابطه منفی و معنی داری مشاهده شد و بین مکان کنترل

جدول ۶. تحلیل واریانس برای رگرسیون «نمره علوم» روی متغیر «مکان کنترل» دانش آموز ($n=398$)

منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۸۰/۶۴	۱	۱۸۰/۶۴	۲۲/۶۲	۰/۰۰۰۰
پسماند	۳۱۶۲/۳۲	۳۹۶	۷/۹۸		

(شیب خط رگرسیون)

$180/58 = \text{ضریب } A$ (عدد ثابت در معادله)

$\hat{Y} = 180/58 - 0/19X_1$ * معادله رگرسیون

مکان کنترل دانش آموز = X_1 *

معادله رگرسیون پیشرفت تحصیلی (نمره

علوم)، از روی مکان کنترل دانش آموز به شرح

ذیل است:

$-0/19 = \text{ضریب } B$ برای مکان کنترل دانش آموز

جدول ۷. تحلیل واریانس برای رگرسیون «بیشرفت تحصیلی» (نمره علوم) روی متغیر نگرش «شیوه استبدادی» مادر ($n=398$)

منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۵۷/۴۴	۲	۱۲۸/۷۲	۱۶/۴۸	/۰۰۰۰۰
پسماند	۳۰۸۵/۵۲	۳۹۵	۷/۸۱		

معادله رگرسیون پیشرفت تحصیلی (نمره علوم) بر حسب مکان کنترل دانش آموز و نگرش شیوه استبدادی مادر عبارت است از:

$$Y = 19/79 - 0/18X_1 - 0/07X_2$$

مادر (شیب خط رگرسیون) ضریب B_1 برای مکان کنترل دانش آموز = $-0/18$ (شیب خط رگرسیون)
 نگرش شیوه استبدادی مادر = $-0/07$ (شیب خط رگرسیون)
 ضریب B_2 برای نگرش شیوه استبدادی مادر = $-0/07$
 مکان کنترل دانش آموز = X_1
 نگرش شیوه استبدادی مادر = X_2

جدول ۸. تحلیل واریانس برای رگرسیون «بیشرفت تحصیلی» (نمره علوم) روی متغیر نگرش شیوه اقتدار منطقی» مادر ($n=398$)

منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۹۸/۰۴	۳	۹۹/۳۵	۱۲/۸۵	/۰۰۰۰۰
پسماند	۳۰۴۴/۹۲	۳۹۴	۷/۷۳		

معادله رگرسیون پیشرفت تحصیلی (نمره علوم) بر حسب مکان کنترل دانش آموز و نگرش شیوه استبدادی و نگرش شیوه اقتدار منطقی مادر به شرح زیر است:

$$Y = 17/24 - 0/18X_1 - 0/06X_2 + 0/07X_3$$

مادر (شیب خط رگرسیون) ضریب B_1 برای مکان کنترل دانش آموز = $-0/18$ (شیب خط رگرسیون)
 نگرش شیوه استبدادی مادر = $-0/06$ (شیب خط رگرسیون)
 نگرش شیوه اقتدار منطقی مادر = $0/07$ (شیب خط رگرسیون)
 مکان کنترل دانش آموز = X_1
 نگرش شیوه استبدادی مادر = X_2
 نگرش شیوه اقتدار منطقی مادر = X_3

بحث

یکی از نتایج به دست آمده در این تحقیق ارتباط مثبت و معنی دار بین نگرش شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی مادر و پیشرفت تحصیلی (معدل کل و نمره علوم) دانش آموز می باشد. نتیجه دیگر تحقیق رابطه منفی و معنی دار بین نگرش شیوه فرزندپروری استبدادی مادر و پیشرفت تحصیلی (معدل کل و نمره علوم) دانش آموز است. به عبارت دیگر، نگرش شیوه اقتدار منطقی مادر با پیشرفت تحصیلی بهتر دانش آموز و نگرش شیوه استبدادی مادر با پیشرفت تحصیلی (معدل کل و نمره علوم) کمتر دانش آموز همراه است. در تبیین این نتایج می توان گفت که اقتدار منطقی والدین به طور معنی داری با تعهد (دخیل شدن) والدین در امور تحصیلی دانش آموزان و تشویق دانش آموزان مرتبط است. این الگوی ارتباط این نکته را تایید می کند که رابطه بین شیوه اقتدار منطقی والدین و موفقیت های تحصیلی دانش آموزان، قابل اسناد به سطوح بالای تعهد و الزام و درگیری والدین و تشویق های تربیتی آنها که از مشخصات والدین دارای اقتدار منطقی است، می باشد. در مقابل والدین استبدادی فاقد ویژگی های ذکر شده می باشند (استینبرگ و همکاران، ۱۹۹۲).

تبیین دیگری که در این رابطه می توان ارائه داد به بعد «گرم بودن» و «کنترل» والدین باز می گردد. والدین اقتدار منطقی در درجه بالایی از گرم بودن برخوردار هستند و به نیازهای عاطفی و روانی فرزندانشان پاسخ داده و بیشتر پذیرنده کودکان خود هستند. همچنین این گونه والدین کنترل معتدل و معقولی بر فرزندانشان اعمال می کنند. در مقابل والدین دارای شیوه استبدادی فاقد این خصوصیات هستند (برنت، ۱۹۹۷). نتایج تحقیقات (بام ریند، ۱۹۶۷؛ باردلی، ۱۹۸۹ به نقل از برنت^۱، ۱۹۹۷) نشان داد کودکانی که دارای والدینی گرم و پذیرنده هستند (کودکان والدین اقتدار منطقی) بیشتر خوشحال هستند، خوداتکایی و خودگردانی بیشتری از خود نشان می دهند و عزت نفس بالایی دارند. روشن است که همه این موارد می تواند بر پیشرفت تحصیلی دانش آموز به طور مثبتی اثرگذارد. در مقابل والدین استبدادی در سنین مختلف تأثیرات سوئی از قبیل اضطراب، پریشانی، پرخاشگری، ناسازگاری اجتماعی و رشد اخلاقی کم بر کودکانشان دارند (کامینگر و همکاران^۲، ۱۹۸۵؛ و کانگر و همکاران^۳، ۱۹۹۲).

1- Benat

2- Cummings et al.

3- Conger et al.

کار)، درجه پایینی از کنترل را در تعامل با فرزندانشان به کار می‌گیرند. کنترل کم والدین سبب می‌شود فرزندان احساس نمایند که می‌توانند به هر طریق عمل کنند و چارچوبهای انضباطی و محدودیت‌هایی برای آنها اعمال نمی‌شود. در نتیجه ممکن است این گونه دانش‌آموزان که کنترل و نظارت کمی بر آنها اعمال می‌شود، نسبت به تکالیف خود بی تفاوت بوده و کوشا نباشند. همچنین کنترل معقول و معتدل سبب شکل‌گیری سازه‌های شخصیتی چون عزت نفس بالا، توانایی تمرکز بالا بر تکالیف و احساس کفایت در کودکان می‌شود که می‌تواند به طور غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی تأثیرات مثبتی داشته باشد. تبیین دیگر این است که والدین افراطی به علت گرم و پذیرنده بودن از سطوح بالای پاسخگو بودن و سطوح پایین «درخواست کنندگی» برخوردارند. لذا به طور طبیعی بیشتر از سایر والدین پیگیر امور تحصیلی فرزندانشان می‌شوند و به گونه‌ای بیش از حد در امور تحصیلی فرزندانشان مداخله می‌کنند. این دخالت مستقیم و بیش از حد در امور تحصیلی ممکن است آنها را متکی و وابسته به والدین نماید و در نتیجه، استقلال عمل را از

۱۹۹۳؛ مک کوبی و لوین، ۱۹۷۵؛ مک لیلند و وینبرگر، ۱۹۹۱ به نقل از برنت، ۱۹۹۷). کوتاه این که والدین اقتدار منطقی و استبدادی به دو صورت مستقیم (از طریق دخیل شدن یا نشدن در فعالیتهای تحصیلی و آموزشی دانش‌آموزان) و غیرمستقیم (از طریق ایجاد و پرورش سازه‌های شخصیتی) می‌توانند بر پیشرفت تحصیلی فرزندان خود مؤثر باشند. در این تحقیق رابطه‌ای معنی‌دار بین نگرش شیوه آزادگذاری مادر و پیشرفت تحصیلی (معدل کل، نمره علوم، نمره ریاضی) مشاهده نشد. همان گونه که مک کوبی و مارتین، ۱۹۸۳ به نقل از لمبورن و همکاران، ۱۹۹۱) اظهار داشته‌اند بایستی بین دو تیپ از خانواده‌های آزادگذارنده تفاوت قائل شد، والدینی که شیوه افراطی دارند و والدینی که مسامحه کار و سهل‌انگار هستند. والدینی که از سطوح پایینی از انتظارات و سطوح بالایی از پاسخگو بودن برخوردارند، شیوه‌ای افراطی دارند و والدینی که نه «درخواست کننده» و نه «پاسخگو» هستند، شیوه‌ای مسامحه کار را به کار می‌برند. لذا جهت هرگونه اظهار نظر دقیق‌تر و روشن‌تر بایستی این دو شیوه به طور جداگانه سنجش و بررسی شود. با وجود این، تبیین‌هایی می‌توان ارائه داد. والدین دارای شیوه فرزندپروری آزادگذاری (افراطی و مسامحه

نسبت به ریاضی اشاره کرد. از جمله این که آنها ریاضی را درسی مردانه تلقی می‌کنند. لذا همچنان که نتایج تحقیقات (هاید، فنما، رین، فراست و هاپ^۱، ۱۹۹۰، نقل از گلامبوک و فیوش^۲، ۱۹۹۵) نشان می‌دهد، مادران ریاضی را درسی مردانه و در حیطه کار مردان می‌دانند. اگر بتوان نتایج این تحقیق را به مادران ایرانی (به ویژه مادران جامعه آماری تحقیق حاضر) تعمیم داد، شاید بتوان عدم رابطه بین شیوه فرزندپروری مادر و درس ریاضی را از این طریق نیز توجیه نمود. همچنین نتایج تحقیقات اکسلز و یی^۳ (۱۹۸۸)، به نقل از گلامبوک و فیوش، (۱۹۹۵) نشان می‌دهند. مادران فکر می‌کنند دخترانشان در مقایسه با پسرانشان استعداد و توانایی کمتری در ریاضیات دارند و برای موفقیت در ریاضی بایستی تلاش بیشتری نمایند. اگر این ذهنیت در مورد مادران تحقیق حاضر نیز مطرح بوده باشد، می‌توان گفت مادران در درس ریاضی فرزندان پسر خود تأکید بر توانایی و برعکس تأکید کمتری بر تلاش داشته‌اند و کمتر درگیر امور درسی مربوط به ریاضیات آنها بوده‌اند.

فرزندانشان سلب نماید. این امر می‌تواند سبب پایین آمدن عملکرد تحصیلی دانش‌آموز گردد. در مقابل والدین مسامحه کار که نه «متوقع» و نه «پاسخگو» هستند الگویی از غیرمتعهد بودن (غیردخیل بودن) را از خود نشان می‌دهند. لذا این گونه والدین به طور کلی نه درخواست و توقعی در زمینه مسایل آموزشی از فرزندانشان دارند و نه پیگیر و دخیل در امور تحصیلی آنان می‌شوند و عملاً شرایط و امکانات لازم را برای بهبود عملکرد تحصیلی آنها فراهم نمی‌آورند.

در این تحقیق رابطه‌ای بین نگرشهای شیوه‌های فرزندپروری (اقتدار منطقی، آزادگذاری، استبدادی) مادر با نمره ریاضی مشاهده نشد. یکی از ویژگیها یا ابعاد فرزندپروری، تعهد و دخیل شدن والدین در امور تحصیلی فرزندانشان از جمله، کمک به انجام تکالیف درسی می‌باشد. تجربه طولانی پژوهشگر نشان می‌دهد که مادران (به ویژه مادران ایرانی) آموزش و توقعات معطوف به درس ریاضی را به پدران واگذار می‌کنند، زیرا یا مهارت لازم را واقعاً ندارند، یا فکر می‌کنند ندارند. لذا ممکن است مادران نتوانند کمک قابل توجهی به فرزندان خود در درس ریاضی ارائه نمایند.

علاوه بر این، می‌توان به نگرش مادران

1- Hyde, Fennema, Ryan, Frost & Hopp

2- Golmbok & Fivush

3- Eccles & Yee

در این پژوهش رابطه معنی‌داری بین مکان کنترل دانش‌آموزان و نگرش‌های شیوه‌های فرزندپروری مشاهده نشد. تبیینی که می‌توان ارائه داد این است که در این خصوص بایستی دقت کرد که در این پژوهش تنها «نگرش» نسبت به شیوه‌های فرزندپروری بررسی شده است. هر چند نگرشها می‌توانند بیان‌کننده بخشی از رفتارها باشند، ولی جهت هرگونه اظهارنظر دقیق‌تر بایستی به این نکته توجه نمود. مشکل ابزار نیز باید در نظر گرفته شود. چرا که در این پژوهش، تنها دو بُعد درونی - بیرونی مکان کنترل اندازه‌گیری شده است. چنانچه تحقیق گانتر (۱۹۸۹) نشان می‌دهد، هر یک از جنبه‌های مختلف فرزندپروری موجب ایجاد و پرورش ابعاد متفاوتی از جهت‌گیری کنترل شانس، افراد قدرتمند و کنترل درونی می‌شود.

سن آزمودنیها متغیر دیگری است که بایستی مورد ملاحظه قرار گیرد. همان‌طور که گانتر (۱۹۸۹) نشان می‌دهد، جهت‌گیری کنترل درونی در اوایل نوجوانی افزایش و جهت‌گیری شانس کاهش می‌یابد. لذا ممکن است اثرهای شیوه‌های فرزندپروری مادر در سنین اولیه، در نمره‌های مکان کنترل فرزندان در سنین بالاتر منعکس نشود و در ارتباط با سن آزمودنیها در تحقیق فعلی، چنین اثری هنوز خود را نشان نداده باشد.

نتیجه دیگری که در این پژوهش به دست آمد ارتباط مثبت و معنی‌دار بین مکان کنترل دانش‌آموز و پیشرفت تحصیلی (معدل کل و نمره علوم) او بود. افراد با جهت‌گیری کنترل درونی در مقایسه با افرادی که جهت‌گیری بیرونی دارند، کارآمدتر، با پشتکارتر، از لحاظ شناختی فعال‌تر و قابل انعطاف‌تر در یادگیری قوانین لازم برای مسائل ضروری، کارآمدترند. علاوه بر این، آنها در جمع‌آوری اطلاعات در مقایسه با افراد کنترل بیرونی فعال‌ترند. سعی می‌کنند با موفقیت خود سازگار شوند و پیامدها را کنترل کنند. روشن است که ویژگیهای فوق بر عملکرد تحصیلی تأثیرات مثبتی دارد. فراهانی (۱۳۷۷ ب). پلات و ایزمن (۱۹۶۸) به نقل از بال (۱۹۹۴) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که همبسته‌های رفتاری کسانی که مکان کنترل درونی دارند، همانند همبسته‌های رفتاری کسانی است که نیاز به پیشرفت در آنها بالاست. به عنوان مثال، افرادی که مکان کنترل درونی دارند و آزمودنیهایی که نیاز به پیشرفت بالایی دارند، هر دو بر روی تکالیف پایداری بیشتری دارند، تکالیفی را ترجیح می‌دهند که در آنها مهارت، تعیین‌کننده است نه شانس، و کارکرد مورد انتظار خود را نسبت به گذشته در سطحی

بالا تر قرار می‌دهند. در تبیین عدم ارتباط بین مکان کنترل و نمره ریاضی می‌توان به این نکته اشاره نمود که گرایشهای کنترل درونی - بیرونی به طور آشکار در تمام طبقات و موضوعات عمومیت ندارد و در سطوح بالای پیشرفت تحصیلی، عوامل اختصاصی تعیین کننده پاسخهاست تا عوامل کلی. اگر باورهای تعمیم یافته در جهت گیری کنترل، هرگونه اثری بر پیشرفت تحصیلی داشته باشد، این تأثیرات احتمالاً از طریق متغیرهای دیگری مانند انتظارات کنترل ویژه و ارزش تقویت مؤثر واقع می‌شود (راتر، ۱۹۶۷؛ نقل از فراهانی، ۱۹۹۴). همان گونه که بیشتر پیشینه‌های تحقیقی نشان داده‌اند، مقیاسهای درونی - بیرونی برای انتظارات کلی تقویت ساخته شده است. لذا به طور نسبی روایی پیش بینی پایینی را در موقعیتهای ویژه دارند. بنابراین، ممکن است دانش‌آموزان در

درس ریاضی انتظار موفقیت نداشته باشند. مطالعه میشیگان در درس ریاضی نیز نشان داد، بهترین پیش‌بینی کننده موفقیت در ریاضی، مفهوم کودک از توانایی خود و انتظار موفقیت در ریاضیات بود (پارسونز، ۱۹۸۲؛ به نقل از ماسن، ۱۹۸۴).

عوامل دیگری از قبیل باورها و نگرشهای خاص نسبت به ریاضی چه توسط دانش‌آموز و چه توسط والدین، تجربه‌های محدود خارج از کلاس درس و عدم کاربرد آن در زندگی روزانه و واقعی دانش‌آموز، تجربه‌های منفی و شکستهای اولیه دانش‌آموز در سالهای آغازین تحصیل، کیفیت تدریس و آموزش ریاضی از جمله عوامل متعدد و قابل تأمل دیگری می‌باشند که هر یک از آنها می‌تواند ماهیت متفاوت این درس را بیشتر مشخص سازد. (شهرآرای، ۱۳۷۵).

منابع

فارسی

اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان نامه فوق لیسانس. انستیتوی روان پزشکی تهران.

بال، ساموئل (۱۹۹۴). انگیزش در آموزش و پرورش. ترجمه علی اصغر مسدّد شیراز: انتشارات

پرومندنسب، مسعود (۱۳۷۳). بررسی رابطه نگرشها و شیوه‌های فرزندپروری با جایگاه مهار و

رابطه جایگاه مهار با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول. پایان نامه فوق لیسانس. دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. رضایی، محمد (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران (اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی) و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان سال اول تا سوم راهنمایی اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران. پایان نامه فوق لیسانس. دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده علوم تربیتی.

شهرآرای، مهرناز (۱۳۷۵). اضطراب ریاضی در عصر صافی ریاضی. خلاصه مقالات نخستین کنفرانس آموزش ریاضی ایران (صص ۳۳-۳۱). اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.

فراهانی، محمدنقی (۱۳۷۷ ب). روان‌شناسی شخصیت، نظریه، تحقیق، کاربرد. تهران: دانشگاه تربیت معلم.

مهرفروز، حجت ا... (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر (اقتدار منطقی، استبدادی، آزادگذاری) با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. پایان نامه فوق لیسانس. دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده علوم تربیتی.

ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۹۸۴). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسائی. تهران: نشر مرکز.

مجدآبادی فراهانی، زهره. (۱۳۷۵). بررسی تحولی مسند کنترل و رابطه آن با پرخاشگری. پایان نامه فوق لیسانس. دانشگاه تهران: دانشکده علوم تربیتی.

موفق، خلیل (۱۳۷۵). هنجاریابی مقیاس کنترل درونی - بیرونی IE راتر برای دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد. پایان نامه فوق لیسانس. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

لاتین

Berndt, T.S. (1997). Child Development. Second edition. London, Brown and Benchmark Publishers.

Buri, J.R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Jornal of Personality Assessment*, 57 (1), 110-110.

- Farahani, M.V. (1994). The relationship of locus of control, extroversion, neuroticism with the academic achievement of Iranian Students. A thesis submitted in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of philosophy. The university of New south wales, Australia.
- Findley, M.J. & Cooper, H.M. (1983). Locus of control and academic achievement: A literature review. *Jornal of Personality and Social Psychology*, 44 (2), 419-427.
- Glasgow, K.L., Dornbusch, S.M., Toyer, L., Steinberg, L., and Ritter, P.L. (1997). Parental styles, adolescent's attributions, and educational outcomes, nine heterogeneous high-schools. *Child Development*, 68(3), 507-529.
- Golombok, S., & Fivush, R. (1995). *Gender Development*, Cambridge: University Press¹.
- Gunter, K. (1989). Perceived childrearing practices and the development of locus of control in early adolescence. *International Journal of Behavioral Development*, 12(2), 177-93.
- Lamborn, S.D., Mounts, N.S., Steinberg, L., & Dornbusch, S.M. (1991). Parents of competence and adjustment among adolescents from authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065.
- Nowicki, S, & Strickland, B.R. (1973). Locus of control scale for children: *Journal of Consulting and Clinical psychology*, 40, 148-154.
- Steinberg, L., Lamborn, S.D., Dornbusch, S.M. & Darling, N. (1992). Impact of parenting practices on adolescent achievement: Authoritative parenting, School involvement, and encouragement to succeed. *Child Development*, 63, 1266-1281.

۱- این منبع به فارسی ترجمه شده است. گولومبوک، اس. و فی وشن، ر. (۱۹۹۵) رشد جنسیت. ترجمه مهرناز

شهرآرایی، تهران. انتشارات ققنوس (۱۳۷۸).